سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۲۰۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

منابع خبری می‌گویند ماه آینده میلادی خروج آمریکا از عراق نهایی می‌شود

خبر مرگ برای تل‌آویو

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

طوفان الاقصی تنها صهیونیست‌ها را نسبت به آینده خود در سرزمین‌های اشغالی بیمناک نکرد، بلکه کاسه و کوزه آمریکا در منطقه را نیز برهم زد. روز گذشته خبرگزاری تسنیم گزارش کرد، منابع آگاه به این رسانه اطلاع داده‌اند که قرار است تا یک ماه آینده پرونده خروج آمریکا از عراق حل‌وفصل شود. به گفته این منبع، قرار است وزیر خارجه عراق ماه آینده میلادی به واشنگتن سفر کند. در جریان این سفر و در یک نشست خبری بیانیه پایان مأموریت نیروهای ائتلاف بین‌المللی در عراق قرائت خواهد شد. براساس گزارش تسنیم، خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی از سراسر عراق جز اقلیم کردستان در سپتامبر سال ۲۰۲۵ آغاز می‌شود. همچنین نیروهای ائتلاف بین‌المللی در سپتامبر ۲۰۲۶ اقلیم کردستان را نیز تخلیه خواهند کرد.

این خروج در سایه درگیری‌های خونین و شدید طی ده ماه اخیر حاصل شده است. گروه‌های مقاومت نزدیک به ۲۰۰ حمله علیه پایگاه‌های آمریکا تدارک دیده و ده‌ها سرباز این کشور را کشته یا زخمی کرده‌اند.

مزایای خروج آمریکا برای منطقه

خروج نظامی آمریکا از عراق می‌تواند به معنای ایجاد فضای جدیدی در منطقه باشد. اهمیت این خروج به اندازه‌ای زیاد است که پس از آن، تعدادی از متحدان واشنگتن نیز به مزایای قابل توجهی دست می‌یابند.

۱. آمریکا حضور اشغالگرانه و یکجانبه خود در منطقه را از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق کلید زد. حضور در افغانستان در سال ۲۰۲۱ به پایان رسید و به پایان رسیدن حضور نظامی در عراق، شکست کامل پروژه‌ای است که در نخستین سال‌های قرن بیست‌ویکم به اجرا درآمد.

۲. آمریکا در افغانستان و عراق دولت‌های ضعیفی تشکیل داد تا همیشه بهانه‌ای برای حضورش در این کشورها وجود داشته باشد. در افغانستان به هر شکل این دولت ضعیف از بین رفته و حکومت قدرتمندتری تشکیل شد؛ هرچند در خصوص آن ملاحظاتی وجود دارد. خروج نظامی آمریکا از عراق نیز می‌تواند زمینه‌ساز تقویت دولت مرکزی، افزایش امنیت و اجرای پروژه‌های بزرگ شود.

۳. آمریکا از استقرار نظامی سنگین و منعطف در عراق، به دنبال کنترل ایران، ترکیه و عربستان بود. در نظام دوقطبی و تک‌قطبی تجربه‌شده طی دهه‌های اخیر، قدرت‌های منطقه‌ای زمینه ظهور نداشتند. از این رو در جهان در حال گذار کنونی، خروج آمریکا از عراق که می‌تواند به ظهور سه کشور بزرگ منطقه به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای منجر شود، بر شکل‌دهی به نظام جهانی پیش‌رو کمک می‌کند. با قدرت‌گیری ایران، ترکیه و عربستان سعودی در سایه خروج آمریکا، بازیگران و دولت‌های ذره‌ای و کوچک که در اتصال با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به دنبال ایفای نقش‌های فراتر از اندازه خود بودند، کم‌کم خاموش شده و منطقه به واقعیت خود نزدیک‌تر می‌شود.

۴. خروج آمریکا از عراق، زمینه‌ساز خروج این کشور از شرق سوریه به حساب می‌آید. آمریکا تجهیزات خود را از مسیر دریایی به کویت آورده و از طریق خاک عراق به شرق سوریه ارسال می‌کند. با مسدود شدن این مسیر، خط تدارکات‌رسانی اصلی آمریکا در سوریه از دست می‌رود. همچنین آمریکا تحت فشار شدیدتر گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه قرار می‌گیرد.

۵. در صورت خروج آمریکا از عراق و سوریه، تنها قدرت‌های موثر به شکل نظامی در این منطقه، ایران و روسیه خواهند بود. به عبارتی دیگر، رژیم مجبور خواهد شد برای تنظیم اوضاع خود، به مسکو نزدیک‌تر شود. خواسته‌های مسکو در این خصوص نیز مشخص هستند که یکی از آنها بهبود اوضاع سوریه است. اگر صهیونیست‌ها زیر بار شروط روس‌ها نروند، احتمالا مسکو با استفاده از شرایط جدید، علیه تل‌آویو اعمال فشار خواهد کرد. درخصوص ایران نیز صهیونیست‌ها به دلیل مواجهه سنگین‌تر با نفوذ منطقه‌ای ایران، امکان کمتری برای ضربه به محور مقاومت خواهند داشت.

صحنه نظامی

تحول صحنه نظامی، برای هیچ دولتی به اندازه رژیم دلهره‌آور نیست. بدون حضور آمریکا در فضای بین ایران و رژیم، هر دو تقریبا همسایه می‌شوند.

۱. با تخلیه پایگاه‌های اختصاصی آمریکا، سامانه‌های جاسوسی، راداری و پدافندی این کشور نیز جمع‌آوری می‌شوند. این مساله می‌تواند به تسهیل حملات ضروری محور مقاومت به رژیم منجر شود. اگر تل‌آویو بار دیگر کار را به جایی برساند که محور مقاومت مجبور به پرتاب پهپاد و موشک به سمت فلسطین اشغالی شود، صهیونیست‌ها به عمق کمی برای پدافند هوایی دسترسی خواهند داشت. باید توجه کرد در صورت احیای حاکمیت عراق در استان‌های غربی، اردن نیز در صورت کمک به دفاع هوایی رژیم، با مخاطره مواجه خواهد شد و بر همین اساس احتمال دارد اردنی‌ها تصمیم بگیرند به این روابط ویژه پایان دهند.

۲. با خروج نیروهای آمریکایی، در هر صورت و با هر توافقی، سامانه‌های پدافند هوایی مقاومت در مناطق غربی عراق نصب می‌شوند تا صهیونیست‌ها نتوانند از فضای هوایی این کشور برای حمله به مقاومت استفاده کنند. امروزه پهپادها و حتی جنگنده‌های رژیم از فراز عراق علیه منطقه عملیات می‌کنند.

۳. ورود آزادانه پهپادها و جنگنده‌های آمریکایی به آسمان عراق شاید برای برخی نشان از آزادی عمل آمریکا در این کشور باشد اما در اصل این واشنگتن است که آسمان عراق را کنترل می‌کند. به همین دلیل نیز عراق به هیچ سامانه دفاع هوایی مسلح نشده است.

۴. تاسیسات عظیم نظامی آمریکا در عراق به پوششی برای حضور عوامل نظامی و اطلاعاتی صهیونیست‌ها تبدیل شده است. با رفع این مساله، حضور صهیونیست‌ها نیز دشوارتر خواهد شد.

چه فشارهایی امان آمریکا را بریدند؟

آمریکا علی‌رغم قدرت بالا، در عراق با فشارهای فزاینده و شدیدی روبه‌رو است:

۱. تغییر وضعیت از تعارض به تنازع

آمریکایی‌ها با انجام جنایت‌هایی مانند ترور فرمانده سپاه قدس و نایب‌رئیس حشدالشعبی عراق در فرودگاه بغداد، وضعیت و نسبت خود با محور مقاومت را از تعارض به تنازع تغییر دادند. از این مرحله به بعد، یا محور مقاومت یا آمریکا باید در خاک عراق باقی می‌ماندند. روندی که پس از شهادت سردار سلیمانی تجربه شد، نشان می‌دهد محور مقاومت خود را توسعه داده ولی آمریکا با کاهش حضور روبه‌رو شده است.

۲. افزایش قدرت مقاومت

تعداد گروه‌ها، نفرات و امکانات گروه‌های مقاومت در عراق بسیار افزایش یافته است. آنها امروزه قابلیت‌های اطلاعاتی، امنیتی و تسلیحاتی ویژه‌ای یافته‌اند. آمریکا می‌داند ادامه درگیری با آنها می‌تواند باعث وارد آمدن ضربات دقیقی به پایگاه‌های این کشور شود.

۳. معادله جدید

تا مدت‌ها آمریکا پس از روبه‌رو شدن با فشار برای تخلیه خاک عراق تهدید می‌کرد در صورت اعمال فشار برای خروج، به لحاظ اقتصادی به بغداد ضربه می‌زند. با این حال به دلیل رشد توانمندی تسلیحاتی، محور مقاومت عراق نیز می‌تواند تهدید کند در صورت فشار اقتصادی، به منافع اقتصادی آمریکا در منطقه حمله می‌کند. واشنگتن می‌داند در فضای جدید، به‌کارگیری ابزار اقتصادی علیه بغداد می‌تواند به حملات علیه منافع تجاری‌اش منتهی شود. در معادله جدید، ضربه به آمریکا از خاک عراق فراتر رفته است. حمله پهپادی مقاومت عراق به عربستان، رژیم و همچنین منافع دشمن در دریای سرخ، این معادله و توانمندی را نشان می‌دهد.

دست و پا زدن‌ها

آمریکایی‌ها برای باقی ماندن در خاک عراق، راه‌های پیچیده و متنوعی را پیموده‌اند:

۱. آمریکا با هدایت داعش موفق شد پس از آنکه در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار از خاک عراق اخراج شد، بار دیگر در سال ۲۰۱۴ این حضور را به بهانه حمله داعش احیا کند. با این وجود گروه‌های مقاومت عراقی با قدرت خود دیگر اجازه تحرک عمده‌ای به تروریست‌ها نمی‌دهند.

۲. آمریکا که با گروه‌های مقاومت شیعه به مشکل خورده بود، تلاش کرد به حضور خود در مناطق سنی‌نشین و کردنشین ادامه دهد. حضور آمریکایی‌ها هم اکنون تقریبا به این مناطق محدود است و خروج سال ۲۰۲۵ شامل تخلیه مناطق عربی سنی، و تخلیه سال ۲۰۲۶ شامل پایگاه‌ها در اقلیم کردستان خواهد شد.

۳. آمریکا برای درهم تنیده کردن حضورش در خاک عراق، این حضور را در قالب‌های مختلفی طراحی کرد. آمریکا یک حضور مستقل در قالب همکاری‌های دوجانبه مانند آموزشی و تسلیحاتی، حضور دیگر در قالب ناتو و یک حضور دیگر در قالب نیروهای ائتلاف ضد داعش را تجربه کرده است.

۴. مسیر کارآمد برای واشنگتن، بازی با جدول‌های زمان‌بندی خروج است. کاخ سفید فشارهای متمرکز برای خروج را با گفت‌وگوها و طول دادن شان می‌شکند. در هر نوبت پس از ماه‌ها مذاکره، جدول زمان‌بندی چندساله خروج به دست می‌آید که آن نیز نقض می‌شود.

پس از خروج

آمریکا نفوذ بزرگی در عراق دارد که تنها یکی از ابعاد آن نظامی است؛ هرچند همین بعد را باید بزرگ‌تر از دیگر ابعاد دانست. نفوذ واشنگتن در بغداد به اندازه‌ای پیچیده است که حضورش نظامی‌اش در عراق نیز تنها در یک شاخه به حضور مستقیم نظامی‌اش مربوط می‌شود. آمریکا در چندین نظام عراق قدرت داشته و همزمان ابزار گروه‌های تکفیری و تروریستی را نیز در دست دارد. با این وجود پس از عقب‌نشینی نظامی آمریکا، بساط این نفوذها نیز برچیده خواهد شد.

نقش لابی یهود

لابی یهود، حضور نظامی آمریکا در منطقه برای دفاع از رژیم را ضروری می‌داند. بر همین اساس سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا و به‌ویژه عراق به شدت تحت تاثیر یهودیان است. آلینا رومانوفسکی، سفیر آمریکا در عراق و دن شاپیرو، رابط ویژه دولت بایدن با رژیم صهیونیستی در امور ایران، هردو یهودی هستند. استفاده از شاپیرو که وظیفه اتصال میان رژیم و دموکرات‌ها را برعهده دارد، در چنین پستی نشان‌دهنده اهمیت مهار ایران در سیاست صهیونیست‌هاست. اگر یهودیان یکی از محورهای اصلی تعیین‌کننده سیاست آمریکا در غرب آسیا باشند، حضور نظامی آمریکا در خاک عراق، سوریه و اردن برای دفاع از رژیم اهمیت بالایی می‌یابد. حتی هوکشتاین که وظیفه هدایت گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تل‌آویو و بیروت را از طرف دولت بایدن برعهده دارد نیز یهودی است.

تکذیب باکو درباره وجود پایگاه‌های صهیونیستی در کنار اقدام تل‌آویو برای خروج سربازانش از خاک آذربایجان و گرجستان

مانور باکو مقابل کلاهک‌های مانورپذیر

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

پس از گذشت حدود ۱۰ روز از شهادت اسماعیل هنیه و فواد شکر، چشم منطقه و جهان به پاسخ ایران و محور مقاومت است. کارشناسان و تحلیلگران پیوسته تحرکات ایران را رصد کرده و امکان پاسخ مشروع به رژیم را بررسی می‌کنند. محور مقاومت اعلام کرده که پاسخ چند جانبه و ترکیبی خواهد بود. در این میان برخی دولت‌های مجاور که ارتباط گسترده با رژیم دارند، از پاسخ محور مقاومت بیمناک شده‌اند. روز گذشته آذربایجان که بوی خطر را احساس کرده، اعلام کرد رژیم در خاکش پایگاه نظامی ندارد. در سوی دیگر، تل‌آویو از سربازان خود در آذربایجان خواسته که آذربایجان و گرجستان را ترک کنند. گرچه تل‌آویو در درخواست خود، از سربازان «عادی» خواسته این دو کشور را ترک کنند اما منظورش مستشاران و عوامل جاسوسی فراوانی است که در این کشور مستقر کرده است.

آذربایجان از سال ۲۰۱۰ تاکنون همواره روابط تجاری، نظامی و اطلاعاتی خود را با تل‌آویو گسترش داده است. روزنامه «یدیعوت آحارونوت» پیش‌تر از قول یک دیپلمات ارشد گزارش داده بود اسرائیل از احتمال حملات ایران و حزب‌الله به اسرائیلی‌ها در خارج از کشور یا دیپلمات‌ها و سفارتخانه‌های تل‌آویو نگران است. این روزنامه به نقل از منبع مذکور نوشت: «وضعیت ما بسیار خطرناک است. بسیاری از فرستادگان به خارج از کشور احساس تهدید می‌کنند.» با افزایش احتمال عملیات ایران و محور مقاومت علیه مواضع رژیم صهیونیستی در پاسخ به ترور شهید هنیه، آذربایجان علی‌رغم روابط گسترده و تنگاتنگش با رژیم صهیونیستی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی، از بیم حملات ایران تلویحا حضور نظامی رژیم در خاکش را انکار می‌کند. با این حال باید دانست در سه دهه گذشته روابط اطلاعاتی و نظامی بین جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی به طور چشمگیری توسعه یافته است. این روابط به سطح شراکت استراتژیک رسیده، به‌گونه‌ای که تجارت تسلیحات در مقابل انرژی بین اسرائیل و آذربایجان به یکی از ارکان اصلی استراتژی امنیت ملی اسرائیل تبدیل شده است. مهم‌تر از همه، آذربایجان خدمات لجستیکی به رژیم صهیونیستی برای جاسوسی از ایران می‌دهد. سیاستمداران رژیم اذعان دارند که ائتلاف رژیم صهیونیستی و آذربایجان، ائتلافی علیه تهران و تشکیل جبهه‌ای متحد در مقابله با ایران است.

همکاری نزدیک نظامی

تل‌آویو و باکو یک رابطه عملی و محرمانه را توسعه داده‌اند که در آن آذربایجان به عنوان یک بازار مهم به ارزش میلیاردها دلار برای صنعت دفاعی رژیم صهیونیستی عمل می‌کند. در سال ۲۰۱۱ این ائتلاف از طریق یک قرارداد به ارزش ۱٫۶ میلیارد دلار که شامل موشک باراک و پهپادهای Searcher و Heron از شرکت صنایع هوایی اسرائیل (IAI) بود، تقویت شد. همچنین شراکتی بین سیستم‌های دفاعی هوایی و صنعت تسلیحات داخلی در آذربایجان به وجود آمد. از جمله شراکت‌های مهم رژیم و آذربایجان در زمینه نظامی می‌توان به یک پروژه مشترک بین وزارت صنایع دفاعی آذربایجان و شرکت Aeronautics Defense Systems رژیم صهیونیستی برای تولید پهپادها اشاره کرد. براساس گزارش تایمز آف اسرائیل، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ آذربایجان ۶۹ درصد از تسلیحات خود را از اسرائیل وارد کرده است. از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ مجموع ارسال تسلیحات اسرائیلی به ۲٫۲ میلیارد دلار رسیده است. همچنین شرکت‌های فناوری اسرائیلی تکنولوژی جاسوسی پیشرفته‌ای، از جمله نرم‌افزار جاسوسی پگاسوس به باکو ارائه کرده‌اند. علاوه بر این، شرکت «التاسیستمز» اسرائیل به باکو نقشه‌های دیجیتال جامع از قره‌باغ کوهستانی ارائه داده که در جنگ با ارمنستان به نیروهای آذربایجان برتری زیادی داد. این داده‌ها نشان می‌دهد رژیم علی‌رغم آنکه در خاک آذربایجان پایگاه نظامی ندارد اما حضور مستشاری قوی و انکارناپذیری دارد. باید در نظر داشت بخش مهمی از این حضور مستشاری و نظامی جهت انجام عملیات و آموزش نیروهای آذری است.

فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل در آذربایجان

نزدیکی جغرافیایی آذربایجان به ایران، این کشور را به یک دولت محوری برای جمع‌آوری اطلاعات و عملیات نظامی رژیم صهیونیستی تبدیل کرده است. با فاصله فقط ۵۰۰ کیلومتر از تهران، آذربایجان نزدیک‌ترین مرز بین‌المللی به تهران و برخی تاسیسات نظامی ایران را دارد. باکو به سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، موساد، اجازه داده است یک شاخه عملیاتی پیشرفته ایجاد کند که به آنها امکان می‌دهد تا دستگاه‌های شنود و ردیابی را در آذربایجان نصب کرده و فعالیت‌های ایران را نظارت کنند؛ این خدمت در ازای دریافت تسلیحات از اسرائیل است. همکاری بین باکو و تل‌آویو علیه ایران شامل ساخت ایستگاه‌های جاسوسی الکترونیکی موساد در مرزهای جنوبی آذربایجان می‌شود که فعالیت‌های ایران را رصد می‌کنند. علاوه بر این، گفته شده باکو فرودگاهی را برای کمک به اسرائیل در صورت تصمیم به حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران آماده کرده است. هرچند آذربایجان انکار می‌کند پایگاهی برای حملات احتمالی رژیم به سایت‌های بالستیک و هسته‌ای ایران است اما این امکان را نمی‌توان نادیده گرفت. براساس گزارش هاآرتص در مارس ۲۰۲۴، حداقل ۹۲ پرواز باربری آذربایجان از پایگاه نیروی هوایی اسرائیل (عودا) به باکو انجام شده که حامل تجهیزات نظامی صادراتی در طول هفت سال گذشته بوده‌اند. همچنین در این گزارش آمده است که در مقابل ارسال تسلیحات از رژیم به آذربایجان، باکو نیز به موساد اجازه داده تا دستگاه‌های شنود و ردیابی در آن کشور نصب کرده و فعالیت‌های ایران را نظارت کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که جمهوری آذربایجان به رژیم وعده داده که اگر بخواهد به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند، می‌تواند از فرودگاه‌های جمهوری آذربایجان استفاده کند. قبلا یک عامل موساد فاش کرد آذربایجان کشوری است که در آن عوامل موساد به طور مخفیانه فعالیت می‌کنند و این کشور به عنوان «نقطه صفر برای فعالیت‌های اطلاعاتی» محسوب می‌شود. طبق گفته این عامل، حضور موساد در جمهوری قفقاز جنوبی بزرگ است و عملیات‌های اخیر آنها باعث دسترسی بیشتر به ایران شده است. ادعا می‌شود منطقه مرزی بین آذربایجان و ایران که چند ساعت با پایتخت باکو فاصله دارد، منطقه‌ای حیاتی برای عملیات‌های جاری رژیم در داخل ایران است.

شراکت استراتژیک سایبری

رژیم به آذربایجان کمک کرده تا توانایی‌های نظامی خود را در زمینه امنیت سایبری توسعه داده و دفاع خود را در برابر حملات احتمالی سایبری تقویت کند. همچنین آذربایجان و رژیم در تبادل اطلاعات امنیتی نیز همکاری کرده‌اند که موضع آنها را در منطقه تقویت کرده است. به عنوان بخشی از این همکاری، شرکت NSO Group اسرائیلی نرم‌افزار جاسوسی Pegasus خود را به باکو فروخته است و تل‌آویو پهپادهای Hermes ۹۰۰/۴۵۰ از شرکت Elbit Systems را به باکو عرضه کرده است. این پهپادها، علاوه بر اینکه به حسگرهای الکترونیکی مجهز هستند، به ارتش آذربایجان مدل دیجیتالی از زمین‌های مورد نظر ارائه می‌دهند. این داده‌ها نقشه‌های دقیق‌تری برای عملیات‌های زمینی در اختیار باکو قرار می‌دهد و مهم‌تر از همه، آتش توپخانه آنها را دقیق‌تر می‌کند. بنابراین، همکاری در زمینه امنیت سایبری بین رژیم صهیونیستی و آذربایجان تنها به منافع تجاری محدود نمی‌شود. مقامات آذربایجان در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲ اعلام کردند که به‌زودی با حمایت رژیم صهیونیستی، یک مرکز امنیت سایبری در خاک آذربایجان تاسیس خواهد شد. هدف این مرکز «آموزش متخصصان و مربیان بسیار ماهر در زمینه امنیت سایبری» است و هدف آن آموزش «بیش از ۱۰۰۰ نفر، از جمله ۱۵ مربی بسیار ماهر طی سه سال آینده» اعلام شده است.

همکاری اقتصادی تجاری در خدمت فعالیت‌های اطلاعاتی

آذربایجان مقادیر زیادی نفت دریای خزر را به اسرائیل عرضه می‌کند. نفت آذربایجان تقریبا ۴۰ درصد از نفت وارداتی رژیم را تشکیل می‌دهد. در دوران دولت بنت-لاپید در نیمه دوم سال ۲۰۲۲، مشارکت آذربایجان و رژیم به بالاترین سطح استراتژیک ممکن ارتقا یافت. لاپید، آذربایجان را شریک مهم رژیم نامید. در ماه اکتبر، دولت آذربایجان اعلام کرد مرکز فرهنگی یهودی را تاسیس کرده که آن را تامین مالی می‌کند. در سال ۲۰۲۳، اسرائیل کالاهایی به ارزش ۱۵۹ میلیون دلار به آذربایجان صادر کرد. صادرات آذربایجان به اسرائیل در این مدت به ۱٫۶۸ میلیارد دلار رسید. شرکت‌های صهیونیستی در کشاورزی و امنیت سایبری آذربایجان سرمایه‌گذاری می‌کنند و قصد دارند حدود ۳ میلیارد دلار در بازسازی قره‌باغ سرمایه‌گذاری کنند. شرکت نفتی SOCAR آذربایجان در حال اکتشاف میدان نفتی دریای مدیترانه لویاتان اسرائیل است. همکاری بین رژیم صهیونیستی و آذربایجان تنها به بخش نظامی محدود نمی‌شود بلکه به پروژه‌های اقتصادی نیز گسترش یافته است. این بیم از سوی ایران وجود دارد که در طول مرز مشترک خود با آذربایجان، شرکت‌های کشاورزی صهیونیستی که در پروژه «روستاهای هوشمند» فعال هستند، ممکن است تحت پوشش فعالیت‌های اقتصادی به جاسوسی و شنود بپردازند. هنگامی که وزیر کشاورزی رژیم، عودد فوریر از اولین روستای هوشمند در منطقه زنگیلان در ۲۰ مه ۲۰۲۲ بازدید کرد، به بالاترین مقام اسرائیلی تبدیل شد که از زمان انقلاب اسلامی به مرزهای ایران نزدیک شده است. در طول بازدید فوریر به طور مشخص اظهار داشت «فرصت بازدید از روستای هوشمند نزدیک به مرز ایران را ارزشمند می‌داند.»

تهدیدات علیه ایران

تعمیق روابط سیاسی، نظامی و اطلاعاتی بین آذربایجان و رژیم صهیونیستی نگرانی‌های تهران را درباره تحرکات ضدایرانی رژیم در داخل خاک جمهوری باکو را افزایش داده است. این تقویت روابط از طریق سفر وزیر دفاع وقت رژیم، بنی گانتز، به باکو به وضوح دیده شده است. علاوه بر این، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با همتای آذربایجانی خود، جیهون بایراموف، در مراسم افتتاح سفارت آذربایجان در رژیم در ۳۱ مارس ۲۰۲۳، کوهن اعلام کرد «با بایراموف توافق کرده که جبهه‌ای متحد علیه ایران تشکیل دهند.» در واکنش به این اظهار، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، ناصر کنعانی، رژیم را متهم کرد که در پی تبدیل خاک جمهوری آذربایجان به «میدانی برای تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است. روابط عمیق رژیم با جمهوری باکو سبب شده کارشناسان پاسخ به اسرائیل در داخل آذربایجان را مشروع تلقی کنند. ایران بارها در مورد حضور نظامی و اطلاعاتی رژیم در مناطق مرزی بین ایران و آذربایجان هشدار داده است. با این حال، آذربایجان استفاده رژیم یا کشورهای دیگر از حریم هوایی خود برای انجام حملات به سایت‌های هسته‌ای و نظامی ایران را تکذیب کرده است. وزیر امور خارجه ایران در ژانویه ۲۰۲۳ اسرائیل را متهم کرد با آذربایجان روابط نظامی برقرار کرده و به یک ائتلاف مخفی دست یافته است. جمهوری اسلامی همچنین بر این باور است که سرقت رژیم از انبوهی از پرونده‌های هسته‌ای محرمانه ایران در سال ۲۰۱۸ شامل استفاده از آذربایجان به عنوان پایگاهی برای آن عملیات جسورانه بوده است. گفته می‌شود موساد اسناد محرمانه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را در سال ۲۰۱۸ از طریق آذربایجان منتقل کرده است. مقامات ایرانی ۱۰ نفر را که مظنون به ارتباط با سازمان جاسوسی اسرائیل هستند، دستگیر کرده‌اند و آنها را متهم به هدف قرار دادن افسران اطلاعاتی ایران در استان آذربایجان غربی کرده‌اند. شبکه جاسوسی متهم به تلاش برای استخراج اطلاعات از افسران اطلاعاتی ایران از طریق روش‌های خشونت‌آمیز مانند ربودن، تهدید و ضرب‌وشتم است. همچنین آنها به آتش زدن خانه‌ها و خودروهای مرتبط با دستگاه‌های امنیتی ایران و تلاش برای ترور فیزیکی افسران اطلاعاتی متهم شدند. گفته شده این گروه تحت هدایت افسران موساد در آذربایجان غربی، تهران و هرمزگان فعالیت کرده است. علاوه بر این، تهران به شدت نگران احتمال انجام مأموریت‌های شناسایی و حملات توسط پهپادهای صهیونیستی از خاک آذربایجان به تاسیسات هسته‌ای ایران است. مشابه حمله ادعایی رژیم صهیونیستی با پهپادها به سایت هسته‌ای نطنز در اوت ۲۰۱۴. اخیرا برخی رسانه‌های ایرانی ادعا کرده‌اند پهپادهای اسرائیلی در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ از پایگاه‌های خود در آذربایجان برای انجام حملاتی در اصفهان به پرواز درآمده‌اند.

ارزیابی و چشم‌انداز آینده

آذربایجان یک تامین‌کننده عمده انرژی و یک واردکننده بزرگ سلاح از رژیم است. همچنین این کشور به باراندازِ اطلاعاتی و حتی نظامی رژیم در نزدیکی خاک ایران و مجاورت مراکز اصلی جمعیتی و صنعتی این کشور تبدیل شده است. به نظر می‌رسد با توجه به تداوم شرارت‌ها، شراره‌های آتشی که درحال حاضر در منطقه برافروخته شده و دامنگیر رژیم و آمریکا نیز شده است، درنهایت خانمان این دولت شرور را نیز ویران کند. برخی گروه‌های مقاومتی که مجهز به تسلیحات دوربرد و آشنا به فعالیت‌های سایبری هستند، تهدید کرده‌اند درصورت تداوم شرارت‌های باکو، درسی فراموش نشدنی به آن خواهند داد.